



Identifying the context of violence and its exposure strategies at school: a qualitative study

Mohamad Solimannejad¹  | Marziyeh Ebrahimi² 

1. Department of Social Sciences Education, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.

E-mail: msdt59@yahoo.com

1Corresponding author, Assistant Professor in Social Sciences, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Beheshti University . E-mail: ma_ebrahimi@sbu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-01-26

Received in revised form:

2025-01-06

Accepted: 2025-01-07

Published online:

2025 - 02 - 02

Keywords:

violence, school, students,
cultural heterogeneity, living
in vulnerable neighborhoods

ABSTRACT

The intertwining of structural and agency factors provides a platform for violent actions of students in school. This research was carried out with the aim of identifying the causes of violence and the strategies to deal with it in school using qualitative and ground theory methods in the academic year of 2022-2023. The sample of this research was 36 male students with violent behaviors and aware of these behaviors in the second secondary level of Karaj city. Sampling was purposeful and with maximum variety, and interviews were conducted individually and based on semi-structured interview format, and data analysis was done through MAXQDA 20 software. Based on the findings of the research, the categories of "living in traumatic neighborhoods" and "cultural heterogeneity" were determined as Contextual conditions, "relationship with violent friends" and "individual conditions" as intervening conditions. The strategy of teenagers with violent behavior includes violence against violence, refraining from violent action and purposeful creation, which have been faced with consequences such as "financial loss", "regret" and "bad background". The central category of the research is named as "violence as a person's reaction to disturbing environmental conditions". Based on the results of this research, in addition to individual characteristics, adolescent violence is rooted in family, economic, social, cultural and environmental factors, and when students are placed in different, due to the low level of social resilience, violent acts of They show themselves.

Cite this article: Solimannejad, M., & Ebrahimi, M. (2024). Identifying the context of violence and its exposure strategies at school *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (1),215-240.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.



شناسایی بسترهای زمینه‌ساز وقوع خشونت و استراتژی‌های مواجهه با آن در مدرسه: یک مطالعه کیفی

محمد سلیمان نژاد^۱ | مرضیه ابراهیمی^۲ ✉

۱ - گروه آموزشی علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: msdt59@yahoo.com

۲ - نویسنده مسئول، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، رایانامه: ma_ebrahimi@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	درهم تنیدگی عوامل ساختاری و عاملیتی، بستری برای انجام کنش‌های خشونت‌آمیز دانش‌آموزان در مدرسه فراهم می‌نماید. این پژوهش با هدف شناسایی بسترهای زمینه‌ساز وقوع خشونت و استراتژی‌های مواجهه با آن در مدرسه به روش کیفی و گرند تئوری در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ اجرا شده است. نمونه این پژوهش ۳۶ نفر از دانش‌آموزان پسر دارای رفتارهای خشونت‌آمیز و مطلع از این رفتارها در مقطع متوسطه دوم شهر کرج بوده است. نمونه‌گیری بصورت هدفمند و با حداکثر تنوع بوده و مصاحبه‌ها بصورت فردی و بر اساس فرمت مصاحبه نیمه ساختار یافته، انجام و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار MAXQDA 20 انجام شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش مقوله‌های «زندگی در محلات آسیب‌زا» و «ناهمگونی فرهنگی» به عنوان شرایط زمینه‌ای، «ارتباط با دوستان خشونت‌ورز» و «شرایط فردی» به عنوان شرایط مداخله‌گر تعیین شدند. راهبرد نوجوانان دارای رفتارهای خشونت‌آمیز شامل خشونت در مقابل خشونت، خود داری از کنش خشونت‌آمیز و ایجاد هدفمندی بوده است، که با پیامدهایی نظیر «ضرر مالی»، «پشیمانی» و «سوء پیشینه» مواجه شده‌اند. مقوله‌ی مرکزی پژوهش تحت عنوان «خشونت به مثابه واکنش فرد به شرایط اختلال‌آمیز محیطی» نام‌گذاری گردیده است. بر اساس نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش، خشونت نوجوانان علاوه بر ویژگی‌های فردی، ریشه در عوامل خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی دارد و دانش‌آموزان وقتی در شرایط و موقعیت‌های متفاوتی قرار می‌گیرند، به خاطر سطح پایین تاب‌آوری اجتماعی، کنش‌های خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴	
کلیدواژه‌ها: خشونت، مدرسه، دانش‌آموزان، ناهمگونی فرهنگی، زندگی در محلات آسیب‌زا.	

استناد: سلیمان نژاد، محمد، و ابراهیمی، مرضیه. (۱۴۰۳). شناسایی بسترهای زمینه‌ساز وقوع خشونت و استراتژی‌های مواجهه با آن در مدرسه... بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۲۱۵-۲۴۰.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

بیان مساله

مدرسه یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی است که نقش اساسی در آموزش مهارت های دانشی، نگرشی و رفتاری به دانش آموزان دارد. این نهاد نه تنها بستری برای انتقال علم، بلکه محیطی برای شکل گیری شخصیت اجتماعی و رفتاری دانش آموزان است.

دانش آموزان دبیرستانی که در دامنه سنی ۱۳ تا ۱۹ سالگی قرار دارند، به علت شرایط دوران رشد و بلوغ در یک مرحله بحرانی همراه با افزایش خواسته ها و تمایلات اجتماعی، شناختی، رفتاری، فیزیکی و احساسی قرار داشته و در معرض انواع آسیب های اجتماعی^۱ و رفتاری مانند بی اعتنایی به مقررات، بزه کاری، تجاوز به حقوق دیگران، اعتیاد به فضای مجازی، تمایل به جنس مخالف، گرایش به مصرف قلیان، سیگار، مشروبات و مواد مخدر، پرخاشگری، سرقت، تخریب اموال و غیره قرار دارند (معینی، ۱۳۹۳: ۱۰). البته زمانی که بصورت جمعی در فضاهایی مانند مدارس در کنار هم قرار می گیرند، بر شدت گرایش به این رفتارها نیز افزوده می شود. خشونت یکی از رفتارهایی هست که با فراوانی بیشتری در مدارس مشاهده می گردد. از آن جایی که کنش های خشونت آمیز دانش آموزان همراه با عدم تبعیت از هنجارها و ارزش های جامعه است، بنابراین در زمره آسیب های اجتماعی و رفتاری قرار می گیرند. هر چند در جامعه ما به اندازه اعتیاد و طلاق، در مورد مساله بودن خشونت توافق وجود ندارد، اما در سطح مدارس و بخصوص در هنرستان ها، خشونت به عنوان مساله ای اجتماعی تلقی می شود، چون بر خلاف هنجارها، مقررات و ارزش های علمی نظام مدرسه بوده و با ارزش های انسانی و اصول اخلاقی در مراودات اجتماعی در تضاد است. خشونت در مدارس به وضعیت اظهار شده ای (رابینگتن، و واینبرگ، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳) تبدیل شده است و شاهد اتفاق های خشونت آمیز در مدارس هستیم.

در فرایند جامعه پذیری رسمی یا آموزش و پرورش، پتانسیل های عاطفی و گرایش مثبت به دیگران شکل می گیرد. در فرایند جامعه پذیری، علاوه بر خانواده و مدرسه، آژانس های متنوع دیگری نیز در جهت جامعه پذیری فرد نقش دارند، اما امروزه آموزش و پرورش رسمی نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری یکپارچه و گسترده برای تقویت اجتماع جامعه ای ایفا می نماید (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). وجود ایمنی و آرامش در مدارس، همراه با اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه و مداخله ای در مدیریت خشونت دانش آموزان، برای یادگیری و کسب تجربیات مثبت در فرایند رشد آن ها ضروری است (مایر و همکاران^۲، ۲۰۲۱: ۱۳۱). این رویکردها می توانند شامل آموزش مهارت های اجتماعی، برگزاری کارگاه های مقابله با خشونت و استفاده از مشاوران حرفه ای در مدارس باشند.

خشونت در مدرسه، پدیده ای پیچیده است و متغیرهای زیادی بر آن تأثیر می گذارد. برخی از مواردی که در مطالعات پیشین، بیشترین فراوانی داشته اند، عبارتند از: تکانشگری، همدلی، نگرش نسبت به خشونت، رفتار بیرونی و درونی، خودکارآمدی، اضطراب، افسردگی، سوء مصرف مواد و سبک های تربیتی والدین (رویز-هرناندز و همکاران^۳، ۲۰۱۹: آلوارز-گارسیا و همکاران^۴، ۲۰۱۸: وارا و همکاران^۵، ۲۰۱۸).

قرار گرفتن در معرض خشونت در دوران کودکی، بدرفتاری توسط والدین، همکلاسی ها یا افراد در محیطی که کودک در آن زندگی می کند، مشاهده مکرر رفتار افراد پرخاشگر، خشونت در محله، مدرسه و یا در اجتماع، می تواند اثرات منفی فراوانی بر سلامت جسمانی و روانی افراد داشته باشد (بوکسور^۶، ۲۰۱۳: ۲۱۱). در اعمال خشونت معمولاً قصد و نیت قبلی وجود دارد، بنابراین عملی

1 Social harm

2 Mayer et al

3 Ruiz-Hernandez et al

4 Álvarez-García et al

5 Varela et al

6 Boxer

عمدی است که برای وارد کردن صدمه به طرف مقابل بکار می‌رود و می‌تواند در هر شرایط زمانی و مکانی و توسط هر شخصی اعمال گردد (اتکینسون^۱، ۲۰۱۹: ۲). در پاسخ به این معضل، استراتژی‌های مؤثر برای کاهش خشونت باید چندوجهی بوده و شامل آموزش مهارت‌های اجتماعی، ارائه برنامه‌های حمایت روانی در مدارس و ایجاد محیطی امن برای یادگیری باشند. این استراتژی‌ها می‌توانند به صورت جامع از طریق برنامه‌های آموزشی و مداخلات حمایتی در مدارس پیاده‌سازی شوند.

رفتارهای خشونت‌آمیز در مدارس، نه تنها فرد قربانی و آزارگر، بلکه همه افراد از جمله شاهدان عینی، والدین و مربیان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بسیاری از مطالعاتی که شیوع رفتارهای خشونت‌آمیز را بررسی کرده‌اند، دریافته‌اند که تا ۵۰ درصد از دانش‌آموزان در معرض نوعی از خشونت در مدرسه هستند (لوپز و همکاران^۲، ۲۰۲۱: ۲). داده‌های پژوهشی جمع‌آوری شده توسط کمیته تحقیق پارلمان ترکیه از دبیرستان‌ها در سال ۲۰۰۷، نشان داده است که ۳۵/۵ درصد از دانش‌آموزان درگیر خشونت فیزیکی، ۴۸/۷ درصد خشونت کلامی، ۲۷/۶ درصد خشونت عاطفی و ۱۱/۷ درصد در معرض خشونت جنسی قرار دارند (کاتاک و همکاران^۳، ۲۰۲۱: ۲). از نظر آزاد ارمکی با افزایش فردگرایی، خلیات اجتماعی در جامعه ایرانی تنزل پیدا کرده است و همین مسئله به افزایش خشونت در جامعه ایرانی انجامیده است، بگونه‌ای که در همه عرصه‌های اقتصاد، سیاست، مدرسه، محیط زیست و خانواده با افزایش خشونت مواجه شده است (عصر ایران، ۱۴۰۱). در خصوص میزان خشونت در مدارس کشورمان آمار و ارقام رسمی، منتشر نشده است، اما بر اساس اظهارات مسئولان آموزش و پرورش میزان رفتارهای پرخطر و خشونت در بین دانش‌آموزان پسر و دختر شهر تهران به ترتیب ۱۹/۷ و ۱۹/۶ درصد گزارش شده است (جهان نیوز، ۱۳۹۶). برابری آمار ارتکاب رفتارهای پرخطر و خشونت‌آمیز با میانگین حدود ۲۰ درصد در بین دانش‌آموزان دختر و پسر، نیازمند تحقیق و بررسی بیشتری است، چون به طور سنتی این گونه انتظار می‌رود که میزان خشونت و درگیری در بین پسران، بیشتر از دختران باشد. به علت فراوانی این مشکلات رفتاری در مدارس از سال ۱۳۹۳، طرحی تحت عنوان «نماد» (نظام مراقبت از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس) در سه فاز غربالگری، ارتقای و اورژانس توسط وزارت آموزش و پرورش در سراسر کشور در حال اجرا می‌باشد^۴.

شناسایی بسترهای زمینه‌ساز خشونت و طراحی استراتژی‌های مؤثر برای مقابله با آن در مدارس، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از خشونت کمک کند. این استراتژی‌ها نه تنها در پیشگیری از وقوع خشونت مؤثرند، بلکه قادرند رفتارهای ناهنجار را تغییر داده و فضای آموزشی را بهبود بخشند. بنابراین، طراحی برنامه‌های مقابله با خشونت در مدارس، مانند مشاوره گروهی، تقویت برنامه‌های فوق‌برنامه و ارتباط نزدیک‌تر والدین با نظام آموزشی، می‌تواند زمینه کاهش این رفتارها را فراهم آورد. همچنین، همکاری میان معلمان، والدین و مشاوران می‌تواند به ایجاد محیطی امن و حمایتی در مدارس کمک کند. با توجه به افزایش خشونت در بین دانش‌آموزان، شناسایی عوامل زمینه‌ساز و مرتبط با این رفتار از دیدگاه خود نوجوانان، می‌تواند چشم انداز روشن‌تری از بسترها و زمینه‌های علی و مداخله‌گر خشونت ورزی در اختیار محققان قرار دهد. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال شناسایی این بسترها و بررسی استراتژی‌های مقابله‌ای مؤثر در مدارس است.

1 Atkinson

2 Lopez et al

3 Catak et al

۴ این طرح در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۹۴ نیز تحت عنوان «سند ائتلاف نظام مراقبت اجتماعی از دانش‌آموزان» در شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی تحت عنوان میثاق همکاری‌های چندجانبه میان وزارت آموزش و پرورش، قوه قضائیه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت تعاون، کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام خمینی(ره)، وزارت بهداشت، ناجا و سازمان بهزیستی کل کشور تصویب شد.

پیشینه تجربی

پژوهش‌های تجربی انجام شده داخلی و خارجی که موضوع خشونت نوجوانان را مورد بررسی قرار داده اند در این بخش ارائه و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند: هاشمی و مردانی (۱۴۰۰) پژوهشی با موضوع «فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی رایج در بین دانش‌آموزان» انجام داده‌اند. محققین در این پژوهش ۲۵ مورد از مقالات علمی- پژوهشی چاپ شده در مجلات ایرانی بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۸ بر اساس شاخص‌های روشی و نظری بررسی و ارزیابی نموده‌اند. یافته‌ها نشان داده‌اند؛ چهار آسیب اجتماعی رایج در میان دانش‌آموزان ایرانی به ترتیب عبارتند از: خشونت، اعتیاد، انحرافات جنسی و خودکشی. همچنین عوامل موثر بر گرایش دانش‌آموزان به خشونت، سه عامل اجتماعی - محیطی، فردی - روانی و عوامل دموگرافیک بوده‌اند. سهراب‌زاده و سلیمان‌نژاد (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی علل و زمینه‌های خشونت نوجوانان دبیرستانی» با روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری و با رویکرد گراند تئوری انجام داده‌اند. یافته‌ها متشکل از ۸ مقوله اصلی شامل قلدرمآبی اجتماعی، مقاومت و نافرمانی، خودابرازی بدنی، کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی، تکلم تنازع‌آمیز، میل‌طلبی و دگرآزاری جنسی، تنش و امکان فروپاشی خانوادگی و برون‌ریزی ملتهبانه خشم بوده است. گرمابی (۱۳۹۹) در پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی عوامل موثر بر قلدری در دانش‌آموزان: یک مطالعه کیفی» انجام داده است. در این پژوهش عوامل زمینه ساز قلدری شامل عوامل خانوادگی، عوامل مربوط به مدرسه، عوامل فرهنگی و عوامل روان‌شناختی بوده‌اند. داوری (۱۳۹۸) در پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر قلدری در مدرسه (مورد مطالعه: دانش‌آموزان شهر تهران)» با روش پیمایشی و با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در بین ۳۹۶ دانش‌آموز متوسطه اول شهر تهران، بر مبنای نظریه‌ی فشار عمومی، همنشینی افتراقی، پیوند اجتماعی و نظریه‌ی عمومی جرم مورد آزمون تجربی قرار داده‌اند. متغیر خودکنترلی و متغیر همنشینی افتراقی قوی‌ترین پیشبینی‌کننده‌های قلدری در مدرسه بوده‌اند. یاری‌قلی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تجربیات معلمان از عوامل زمینه‌ساز خشونت در مدارس» مطالعه‌ی پدیدارشناسانه‌ای انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داده است علاوه بر ویژگی‌های ژنتیکی، جنسیتی، موقعیتی و بلوغ افراد، ویژگی‌های فیزیکی مدرسه، مشخصه‌های سازمانی و مدیریتی، عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی و مهم‌تر از همه جایگاه رسانه‌ها بر خشونت تاثیر دارند. قادرزاده و قادری (۱۳۹۵) پژوهشی با موضوع «تحلیل چندسطحی خشونت‌ورزی: مطالعه‌ی پیمایشی خشونت ورزی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر سقز» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ خشونت‌ورزی با متغیرهای قربانی خشونت شدن، شاهد خشونت بودن، بی‌عدالتی در مدرسه، توانایی حل مسالمت‌آمیز تضادها، میزان جرم در محله، نظارت والدین، پابندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه و کنترل اجتماعی مرتبط بوده است. عزیزادگانی و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با موضوع «شناسایی دلایل تمایل به رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تهران» به روش کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با ۲۰ دانش‌آموز انجام داده‌اند. یافته‌ها در بخش عوامل فردی شامل لذت‌جویی، کنج‌کاوی، کسب هویت، اعتماد به نفس کاذب و قهرمان‌نمایی بوده است و در عوامل وابسته‌ی مربوط به بافت و زمینه؛ ارتباط با همسالان، سرگرمی با موبایل، دسترسی آسان و ارزان به مواد، میهمانی‌های مختلط، نبود مکان تفریحی و ورزشی، ناآگاهی والدین و محدودیت مالی را شناسایی کرده‌اند. آژیراک (۱۳۹۲) پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با موضوع «زمینه‌های بروز خشونت در نوجوانان پسر» در منطقه ۱۲ شهر تهران انجام داده است. مهم‌ترین یافته‌ی این پژوهش؛ خشونت نه به عنوان یک واکنش و غریزه و عملی غیرارادی، بلکه به عنوان یک راهبرد آگاهانه و هوشمندانه برای بقا و حفظ خود توسط نوجوانان مورد استفاده قرار گرفته است. نصیری (۱۳۸۸) در پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی موثر بر میزان بزهکاری خشونت‌آمیز در میان دانش‌آموزان شهر اهواز» با روش پیمایشی و تکنیک پرسش‌نامه در بین ۴۰۰ دانش‌آموز با روش

نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای فرایند یادگیری و متغیرهای فرایند کنترل اجتماعی که رابطه‌ی میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی و بزهکاری خشونت‌آمیز را وساطت می‌کند، در تبیین بزهکاری خشونت‌آمیز نقش دارند.

در پژوهش‌های خارجی ماچادو و همکاران^۱ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان ترسیم خشونت بین فردی سایبری در میان نوجوانان، به روش مرور سیستماتیک انجام داده‌اند. خشونت در فضای مجازی، قلدری مجازی و مزاحمت‌های مجازی سه قلمرو اصلی مورد بررسی در این پژوهش‌ها بوده است. نتایج نشان می‌دهد نوجوانان با پخش عمومی ویدئوهایی اغلب با محتوای جنسی به عنوان انتقام استفاده می‌کنند. براون^۲ (۲۰۲۱) در رساله‌ی دکتری با موضوع «دیدگاه‌های والدین و معلمان در مورد شیوع و پیشگیری از قلدری سایبری در کالیفرنیا جنوبی» با مشارکت ۷۲ والدین دارای فرزند و ۲۵ معلم انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد برای کاهش تعداد موارد قلدری و زورگویی سایبری، علاوه بر والدین و معلمان، آگاه‌سازی همه افرادی که با کودکان تعامل دارند لازم است. آلوارز-گارسیا و همکاران^۳ (۲۰۲۰) مقاله‌ای با عنوان «پیش‌بینی‌کننده‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خشونت سایبری در میان نوجوانان» به روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه در بین ۳۰۵۹ نوجوان پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله دبیرستانی در اسپانیا با نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داده است استفاده از اینترنت، کنترل والدین، شخصیت و رفتارهای ضد اجتماعی با میزان قربانی سایبری شدن در ارتباط بوده است. اسوانویانا و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در یک مطالعه کیفی «ارتباط متقابل عوامل زمینه‌ای برای آسیب‌رسانی و خشونت در میان نوجوانان روستایی سواحل کنیا»، دیدگاه‌های ۸۵ جوان و ۱۰ نفر مطلع محلی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین عوامل فردی (جنسیت، فقر، مصرف مواد، رفتار والدین و ترک تحصیل) و برخی از عوامل در سطح گسترده‌تر مانند محلات ناامن و خطرات منابع معیشتی همبستگی وجود داشته است. سلپیس و همکاران^۵ (۲۰۱۲) تحقیقی با موضوع «بررسی خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی مالاتیا» در مدارس ترکیه انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از این بوده که بین متغیرهای عضویت در گروه‌های خلافکار، قرار گرفتن در معرض خشونت و درآمد خانواده با خشونت دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود داشته است. شرر و شرر^۶ (۲۰۱۱) پژوهشی با موضوع «میزان خشونت در دبیرستان‌های تایلند: دیدگاه‌های فرهنگی» انجام داده‌اند. متغیرهای شرایط محیطی، همراهی با دوستان و ویژگی‌های شخصیتی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده خشونت نوجوانان بوده‌اند. وول^۷ (۲۰۰۷) پژوهشی با عنوان آزمون جزئی یک مدل تلفیقی نظارت بافت منطقه، نظارت اجتماعی، خویش‌نظمی داری و رفتار خشونت‌آمیز» به روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه انجام داده است. نتایج یافته‌ها نشان داده است بین پیوندهای اجتماعی و ضعف خویش‌نظمی داری با گروه‌هایی که رفتارهای بزهکارانه داشتند، همبستگی وجود داشته و رفتار خشونت‌آمیز محصول نظارت اجتماعی ضعیفی بوده که با محیطی که این افراد در آن ساکن بوده‌اند، همبستگی داشته است. رید و همکاران^۸ (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «جو مدرسه و مصرف مواد در بین نوجوانان: با اثرات میانجی قربانی خشونت شدن در دبیرستان‌های نواحی شهری آمریکا» با نمونه ۵۸۶ دانش‌آموز به روش پیمایشی انجام داده‌اند. یافته‌ها

1 Machado

2 Brown

3 AlvarezGarcía et al

4 Ssewanyana et al

5 Celbis et al

6 Sherer & Sherer

7 Vowell

8 Reid et al

نشان داده است؛ عدم اجرای قوانین مدرسه، پابندی پایین به هنجارهای اجتماعی و وجود اماکن ناامن در مدرسه و اطراف آن، به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق قربانی خشونت شدن بر افزایش مصرف مواد مخدر نوجوانان تأثیر داشته است. بررسی پیشینه های تجربی داخلی و خارجی نشان می دهد که مطالعات متعددی، چه کمی و چه کیفی، درباره خشونت انجام شده است. این پژوهش ها نه تنها در حوزه خشونت خانگی و علیه زنان، بلکه درباره نوجوانان و دانش آموزان نیز به تحلیل علل و بسترهای وقوع خشونت پرداخته اند. با این حال، بسیاری از این مطالعات به توصیف عوامل زمینه ای و متغیرهای روان شناختی محدود شده و کمتر به تحلیل جامع فرهنگی، اجتماعی و پیامدهای این پدیده پرداخته اند. از سوی دیگر، تمرکز عمده این پژوهش ها بر علل بروز خشونت بوده و از پرداختن به راهبردهای مؤثر در مواجهه با خشونت و درک عمیق تر از تجربیات افرادی که درگیر این رفتارها هستند، غفلت شده است. پژوهش حاضر با انتخاب رویکرد کیفی و اکتشافی و با تمرکز بر تجربیات مشارکت کنندگان، تلاش می کند زوایای پنهان و ناشناخته رفتارهای خشونت آمیز را آشکار سازد. علاوه بر ارائه بسترهای وقوع خشونت در مدارس، این پژوهش به بررسی پیامدهای خشونت در بین نوجوانان و شناسایی راهبردهای مؤثر در مواجهه با آن می پردازد.

ملاحظات نظری

نظریه در تحقیقات کیفی، پژوهشگر را به مشاهدات حساس می سازد که در محدوده پژوهش به آن ها توجه شود. همچنین نظریه به فهم و تفسیر مشاهدات کمک نموده و تبیین موجهی درباره ی نحوه ی ارتباط مشاهدات با یکدیگر فراهم می آورد. در این بخش، مهم ترین دیدگاه های جامعه شناسی و روان شناسی که بسترهای وقوع خشونت در بین نوجوانان را تبیین می نمایند، مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه صاحب نظران مرتبط با حوزه انحرافات و خشونت بررسی شده است.

در تبیین های روان شناختی^۱ فرض بر این است که بین رفتار انحرافی و نوع شخصیت افراد همبستگی وجود دارد. بر این مبنا، افرادی که دارای اختلالات روانی و عصبی و شخصیتی نامتعادل و ناسازگار دارند، بیشتر مرتکب اعمال بزهکارانه و خشونت آمیز می شوند (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۳: ۱۳۷). فروید معتقد بود همه افراد ته نشست های مهم وابستگی های عاطفی دوران کودکی را با خود دارند و این تجربیات روابط بین فردی آینده را هدایت می کنند. فروید بر این نظر است که در هر یک از مراحل رشد، چنانچه نیازهای فرد ارضا نشود، به مرحله ی بعدی رشد شخصیت نمی رسد (سیگل، ۲۰۱۸: ۱۵۸). برای استراتژی های مواجهه خشونت، آموزش مهارت های کنترل خشم و مدیریت هیجانات می تواند به پیشگیری از خشونت کمک کند. مداخلاتی مانند جلسات مشاوره روان شناختی یا کارگاه های روان درمانی گروهی به کاهش رفتارهای پر خاشگرا نه منجر می شود.

نظریه یادگیری اجتماعی^۲ نشان می دهد که افراد تکنیک ها و نگرش های مربوط به رفتارهای خشونت آمیز را از طریق روابط نزدیک و صمیمی با همسالان بزهکار یاد می گیرند. در نتیجه جرم یک رفتار آموختنی است (سیگل، ۲۰۱۸: ۲۳۷-۲۳۶). این نظریه برای ارتکاب انواع خشونت های بین فردی و مکانیسم هایی که در درجه اول ماهیت شناختی دارند، مورد استفاده قرار می گیرد (هامبی و گریچ، ۲۰۱۳: ۴۱). نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، به ویژه آلبرت باندورا، استدلال می کنند که افراد در واقع با توانایی اعمال خشونت آمیز به دنیا نمی آیند، بلکه از طریق تجربیات خود یاد می گیرند که پر خاشگر باشند. این تجربیات شامل مشاهده رفتار پر خاشگرا نه ای از دیگران برای رسیدن به هدف یا تماشای پاداش دادن به افرادی برای اعمال خشونت آمیز در تلویزیون یا فیلم ها

1 Psychological approach

2 Social learning theory

3 Hamby & Grych

است. افراد وقتی در کودکی رفتار خود را بر اساس اعمال خشونت‌آمیز بزرگسالان الگوبرداری می‌کنند، رفتار پرخاشگرانه را یاد می‌گیرند. بعدها در زندگی، این الگوهای رفتار خشونت‌آمیز در روابط اجتماعی باقی می‌ماند (همان: ۱۶۳).

بر اساس نظریه کنترل اجتماعی^۱ همه مردم پتانسیل نقض قانون را دارند و جامعه مدرن فرصت‌های زیادی برای فعالیت‌های غیرقانونی در دسترس قرار داده است. فعالیت‌های مجرمانه، اغلب سرگرمی‌های هیجان‌انگیزی هستند که پاداش و رضایت فوری به دنبال دارند. نظریه کنترل اجتماعی فهمی چند سطحی از خشونت ارائه می‌دهد. بر اساس این نظریه خشونت ناشی از فقدان تعامل افراد با کنترل‌های اجتماعی معمولی است. سوالی که توسط نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی مطرح شده این نیست که «چرا افراد بزهکار می‌شوند»، بلکه «چرا افراد متخلف نمی‌شوند؟» چه چیزی آن‌ها را در مسیر خود نگه می‌دارد؟ نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی بر قدرت والدین، همسالان و کارکنان مدرسه تأکید می‌کند که کنترل‌های مختلفی برای جلوگیری از بزهکاری اعمال می‌کنند (سالتمارش و همکاران^۲، ۲۰۱۲: ۴۲).

نظریه فشار اجتماعی^۳ نیز، تبیین مناسبی برای گرایش به خشونت ارائه می‌دهد. این نظریه تمرکز آشکاری در مورد روابط منفی شخص با دیگران دارد، که با اعمال مجرمانه و بزهکاری همراه است. بر این اساس روابط منفی اغلب هنگامی رخ می‌دهد که یک فرد معتقد است با وی آنگونه که انتظار دارد، رفتار نمی‌شود، بنابراین رفتار واکنشی از خود نشان می‌دهند. رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانانی، اغلب مربوط به زمانی است که، احساس وابستگی به خانواده، مدرسه یا دیگر اجتماعات پایین است، یا نظارت توسط بزرگسالان در زندگی خود نمی‌بینند و یا فاقد هر گونه منفعتی با جامعه خود هستند. در این شرایط افراد طبقه پایین جامعه هنگام مواجهه با موانع، احساس نگرانی، ناکامی، نفرت، خشم و پرخاشگری می‌نمایند. افرادی که به دلیل نژاد یا طبقه اقتصادی خود، احساس محرومیت می‌کنند، در نهایت احساس بی‌عدالتی و نارضایتی پیدا می‌کنند. سرخوردگی دائمی که از این احساس عدم کفایت ناشی می‌شود، پرخاشگری و خصومت سرکوب شده را تولید می‌کند و در نهایت منجر به خشونت می‌شود (سیگل، ۲۰۱۸: ۲۰۶-۲۰۵). در زمینه مواجهه با خشونت، این دیدگاه پیشنهاد می‌کند که ایجاد بسترهای گفت‌وگو میان نوجوانان، خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی می‌تواند به کاهش خشونت کمک کند. برنامه‌های مشارکتی که در آن‌ها نوجوانان نقش فعال در حل تعارضات ایفا می‌کنند، اثرات مثبتی در کاهش خشونت داشته‌اند.

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^۴ نشان می‌دهد که محیط‌های فیزیکی و اجتماعی یک فرد بر شیوه رفتار انتخابی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر فردی در معرض جرم یا خشونت قرار بگیرد، احتمال بیشتری دارد که در رفتارهای مجرمانه مشارکت نماید. همچنین رسانه‌ها نقش اساسی در تشویق افراد به ارتکاب جرم دارند، زیرا رسانه‌های فرهنگی برای رفتارها را نهاده‌ای می‌نماید (توبین^۵، ۲۰۱۶: ۱۷-۱۸). در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، تغییرات شدید ایجاد شده و اختلال در نظم هنجارین جامعه، علت و زمینه پدیدآیی مسائل اجتماعی را رقم می‌زند، زیرا این گونه تغییرات گسترده و همه‌جانبه، نظم اجتماعی سنتی را در حالت اپوخه قرار داده و از طرف دیگر چون نظم اجتماعی جدید هنوز به طور کامل شکل نگرفته است، جامعه با اختلال هنجاری و قواعد اجتماعی مواجه می‌گردد، که در این شرایط ظهور مسائل اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (معیدفر، ۱۳۸۹: ۷-۶).

1 Social control theory

2 Saltmarsh et al

3 Social pressure theory

4 Social disorganization theory

5 Tobin

بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، دورکیم معتقد است؛ چنانچه تغییرات حاکم بر جامعه آنچنان شدید باشد که جامعه توان سازگاری با آن ها را نداشته باشد، تقسیم نابسامان کار را به دنبال خواهد داشت که در این وضعیت، نقش ها با هم در هماهنگی به سر نمی برند و زمینه انحراف و جرایم را در جامعه افزایش می دهند (آزاد ارملی و عالمی نیسی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). دورکیم در کتاب مهم «تقسیم کار اجتماعی» پیامدهای تغییر از یک جامعه کوچک و روستایی «جامعه مکانیکی» به جامعه ای مدرن با جمعیت شهری زیاد، تقسیم کار و انزوای فردی «جامعه ارگانیک» توصیف کرد. از این تغییر، آنومی یا آشفتگی هنجارها و نقش ها پدیدار گردید، مفهومی جامعه شناختی قدرتمندی که به توصیف هرج و مرج و بی نظمی همراه با از دست دادن ارزش های سنتی در جامعه مدرن کمک می کند. تحقیقات دورکیم نشان داد که آنومی ممکن است اشکال دیگری از انحراف را نیز در جوامع ایجاد کند (سیگل، ۲۰۱۸: ۱۹۰). همچنین بر اساس دیگر نظریه پرداز کارکردگرایی ساختاری، پارسونز معتقد است؛ بعد از جامعه پذیری اولیه در درون نهاد خانواده، مدرسه به عنوان عامل محوری جامعه پذیری محسوب می شود. مدرسه به عنوان حلقه واسط بین خانواده و جامعه عمل می کند و افراد را برای ایفای نقش بزرگسالی در آینده آماده می کند. آموزش و پرورش و مدرسه در فرآیند جامعه پذیری و رشد شخصیتی دانش آموزان نقش اساسی در کسب اطلاعات، دانش، مهارت و شناخت ایجاد می نماید (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). پارسونز معتقد است با تغییر در جهان اجتماعی، شاهد تغییراتی در سطوح جامعه با سرعت های متفاوت و در جهات مختلفی خواهیم بود. در نتیجه کشش ها و فشارهایی ناهماهنگ شکل می گیرد که عدم انسجام اجتماعی و کاهش همبستگی به دنبال دارند. به علت تمایز ایجاد شده در جوامع صنعتی، کارکردها نیز بگونه ای فزاینده تخصصی می گردند و در این فرایند گذار، امکان تضاد و ناهمسازی افزایش می یابد و بسترهایی برای ایجاد ستیزها و فشارهای ساختاری در عرصه تعاملات میان اعضای جهان اجتماعی شکل می گیرد. گنش گران بر اساس شرایط ایجاد شده، رفتارهای خود را با در نظر گرفتن دو عامل فرهنگ و شرایط اجتماعی پیگیری می نمایند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۳۳۴). علاوه بر این، استراتژی های مواجهه با خشونت نیز با توجه به نظریه های یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی و بی سازمانی اجتماعی قابل طرح هستند. تقویت مهارت های فردی در مدیریت هیجانات، ایجاد شبکه های حمایتی اجتماعی و افزایش تعاملات مثبت میان نوجوانان و محیط های اجتماعی از جمله اقدامات پیشنهادی هستند که می توانند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای خشونت آمیز داشته باشند.

در جمع بندی این بخش، که به منظور رسیدن به تصویری از تبیین های نظری موجود در مورد خشونت ورزی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است؛ رویکرد زیست شناختی ریشه خشونت ورزی نوجوانان، به ساختار بدنی و ویژگی های جسمانی افراد مربوط می شود. این رویکرد بر بدن کنشگران به عنوان منبع و عامل خشونت ورزی و از طرفی قربانی خشونت قرار گرفتن تاکید و تمرکز دارد. این دیدگاه عوامل فرهنگی و اجتماعی در خشونت ورزی را نادیده گرفته و نقایص فیزیکی و ساختار قامتی افراد را در اعمال بزهکارانه، تعیین کننده می بیند. آنچه از رویکرد روان شناسی در تبیین خشونت برداشت می گردد، این است که خشونت ریشه در ویژگی های شخصیتی افراد داشته و هنگامی که افراد کنترلی بر تمایلات و خواسته های درونی خود ندارند، میل به لذت طلبی آن ها در هر مسیری قرار می گیرد که خشونت یکی از نمودهای آشکار برای بروز آن است. این واکنش تند و عصبی بخصوص در بین افرادی بیشتر دیده می شود که تحمل ناکامی و شکست ندارند. در رویکرد روان شناسی اجتماعی؛ اعمال رفتارهای خشونت آمیز به یادگیری این رفتارها در متن جامعه و گروه های مختلفی که فرد در آن ها عضویت دارد، مانند همسالان، خانواده ها، فرهنگ عامه و رسانه ها مربوط می شود. زمانی که نهاد مدرسه و دیگر عاملان جامعه پذیری، کارایی لازم جهت نهادینه سازی هنجارهای اجتماعی از طریق فرایند جامعه پذیری رسمی برای نوجوانان نداشته باشد، زمینه آسیب پذیری نوجوانان افزایش می یابد.

روش تحقیق

انتخاب روش تحقیق، ارتباط تنگاتنگی با نوع و ماهیت مسئله تحقیق دارد. از روش کیفی برای یافتن معنا یا ماهیت تجارب افراد درگیر با یک مسئله‌ای خاص، استفاده می‌شود. با توجه به اهداف، پرسش‌ها و استراتژی‌های تعیین شده، این پژوهش با روش کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای^۱ انجام شده است. شرکت کنندگان در این پژوهش، دانش‌آموزان پسر ۱۴ تا ۱۹ ساله دارای رفتارهای خشونت‌آمیز و مطلع از این رفتارها در مقطع متوسطه دوم نواحی ۴ گانه آموزش و پرورش شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۰/۱۴۰۱ می‌باشند. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و با در نظر گرفتن حداکثر تنوع و بر اساس ویژگی‌های سن، پایه و رشته تحصیلی، طبقه اجتماعی - اقتصادی و سپس نمونه‌گیری در خلال گردآوری داده‌ها و بر مبنای ظهور مفاهیم و مقوله‌ها، در راستای پرورش و اشباع مقوله‌ها و تکمیل نظریه در حال ظهور، انجام گردیده است. در مطالعه حاضر، در مجموع با ۳۶ نفر از دانش‌آموزان که سابقه و زمینه بیشتری در انجام رفتارهای خشونت‌آمیز در مقوله‌های خشونت کلامی، فیزیکی و سایبری داشتند، مصاحبه شده است. تعریفی که محققین از خشونت در این پژوهش داشته‌اند: خشونت کنشی عمدی و مغایر با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است که در یک رابطه معمولاً نابرابر اعمال می‌شود و آزادی فرد را از بین می‌برد و تهدیدی علیه نظم و امنیت فردی و جمعی در ابعاد مختلف اجتماعی، روانی و جسمانی محسوب می‌شود، بگونه‌ای که ممکن است منجر به مرگ خود فرد یا افراد دیگری گردد. بنابراین در پژوهش حاضر، رفتارهای خشونت‌آمیز در مقوله‌های خشونت کلامی، فیزیکی و سایبری که مشارکت کنندگان در محیط مدارس داشته‌اند، مد نظر بوده است.

ملاک‌های ورود برای مشارکت کنندگان در پژوهش موارد زیر بوده است:

0 رضایت و حضور داوطلبانه برای شرکت در پژوهش

0 داشتن پرونده انضباطی در مدرسه

0 دانش آموز یا هنرجوی پایه‌های دهم تا دوازده

ملاک خروج: شرکت کنندگانی که در هنگام اجرای مصاحبه، عدم همکاری آنها در ارائه اطلاعات مشاهده شد، از پژوهش خارج شدند.

پس از کدگذاری مصاحبه‌ها، کدهای مفهومی اولیه و مقوله‌ها استخراج و با استفاده از خروجی نرم افزار MAXQDA 20 مدل نهایی در قالب شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای خشونت‌ورزی نوجوانان استخراج و ترسیم گردید.

اعتبار و روایی

در پژوهش کیفی بجای اعتبار و روایی که در پژوهش کمی مطرح است، از معیار اعتمادپذیری^۲ یا قابلیت اعتماد استفاده می‌گردد. گوبا و لینکلن معیارهای قابلیت اعتماد را با چهار معیار اعتبارپذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴، انتقال‌پذیری^۵ و تصدیق‌پذیری^۶ در نظر گرفته‌اند. در این پژوهش سعی شد تا پیش‌فرض‌های پژوهشگر وارد مصاحبه نگردد و از روش درون‌نگری همدلانه برای فهم معانی ذهنی

1 Granded Theory
2 Truthworthines
3 credibility
4 dependability
5 transferability
6 confirmability

مشارکت کنندگان از مسأله‌ی خشونت استفاده شود تا موقعیت‌های اظهارشده از دیدگاه آنان درک گردد. بازبینی کدها و تفسیرها بخصوص توسط استاد راهنما، با دیدگاه نقادانه مورد ارزیابی قرار گرفت و از این طریق خطاها به حداقل رسید. ضمن حفظ ارتباط با تعدادی از مصاحبه‌شوندگان طی تحلیل داده‌ها و پس از انجام تحلیل برای تحقق اعتبار پژوهش؛ مفاهیم، مقوله‌ها و روابط آن‌ها و در نهایت خط روایی به تعدادی از آن‌ها ارائه گردید که نتیجه نهایی منجر به تأیید کلیات یافته‌ها و برخی اصلاحات موردی و جزئی بر مبنای نظر مشارکت کنندگان گردید که در نسخه نهایی گزارش یافته‌ها اعمال گردید. بنابراین با استفاده از بازبینی اعضا از طریق ارائه نتایج به شرکت کنندگان در مورد صحت نتایج و پنداشت های مندرج در گزارش، اطمینان لازم حاصل شد

مسئولیت اخلاقی پژوهشگر در فرایند پژوهش بخصوص نسبت به مشارکت کنندگان در پژوهش های کیفی از اهمیت فراوانی برخوردار است. با مشارکت کنندگان توافق گردید در هر مرحله ای از فرایند مصاحبه، که تمایل به ادامه نداشتند، می‌توانند به گفتگو خاتمه دهند، به مشارکت کنندگان اطمینان داده شد، که فایل ضبط شده‌ی مصاحبه تنها در اختیار پژوهشگر خواهد بود. در نهایت بخاطر رعایت حریم شخصی مشارکت کنندگان و رعایت اصل راز داری، اسامی در مصاحبه‌ها به صورت مستعار ذکر شدند و تمامی اطلاعات شناسایی کننده حذف گردیدند.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جمعیت‌شناختی جدول شماره ۱ دامنه سنی مشارکت کنندگان بین ۱۵ تا ۱۹ سال بوده است. رشته تحصیلی ۴۱/۶ درصد آن‌ها، فنی و کار و دانش و ۵۸/۴ درصد آن‌ها در رشته‌های نظری شامل (علوم انسانی، علوم ریاضی و علوم تجربی) مشغول به تحصیل بوده‌اند. ۳۲ نفر مشارکت کنندگان دارای رفتارهای خشونت‌آمیز و ۴ نفر از آن‌ها به عنوان مطلع از رفتارهای خشونت‌آمیز در این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

جدول شماره ۱: سیمای شرکت کنندگان در مصاحبه

کد نمونه	اسم ^۱	اصلیت	رشته تحصیلی	سن	نقش در پژوهش	پایه تحصیلی	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۱	کامیار	کرد	تعمیرات موبایل	۱۶	مطلع	دهم	پایین
۲	افشین	ترک	تعمیرات موبایل	۱۵	دارای رفتار خشونت	دهم	پایین
۳	محمود	ترک	تعمیرات موبایل	۱۸	دارای رفتار خشونت	دهم	متوسط
۴	پرویز	ترک	تعمیرات موبایل	۱۵	دارای رفتار خشونت	دهم	پایین
۵	مسعود	لر	نقشه کشی	۱۷	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	پایین
۶	پارسا	ترک	حسابداری	۱۶	دارای رفتار خشونت	دهم	پایین
۷	کیان	ترک	علوم تجربی	۱۹	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	پایین
۸	امیررضا	بومی کرج	کامپیوتر	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۹	امید	ترک	علوم انسانی	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۱۰	توحید	ترک	علوم انسانی	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۱۱	جعفر	فارس	علوم تجربی	۱۸	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	متوسط

۱ برای حفظ محرمانه ماندن اطلاعات مشارکت کنندگان، کلیه اسامی مستعار می باشند.

کد نمونه	اسم ^۱	اصلیت	رشته تحصیلی	سن	نقش در پژوهش	پایه تحصیلی	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۱۲	جواد	فارس	علوم انسانی	۱۸	مطلع	دوازدهم	متوسط
۱۳	حسام	فارس	علوم تجربی	۱۵	دارای رفتار خشونت	دهم	بالا
۱۴	امیرحسین	فارس	ریاضی فیزیک	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	بالا
۱۵	محسن	فارس	علوم انسانی	۱۸	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	متوسط
۱۶	سالار	لر	علوم انسانی	۱۹	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	متوسط
۱۷	رشید	ترک	علوم انسانی	۱۸	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	پایین
۱۸	جلال	شمالی	علوم انسانی	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۱۹	سمیر	لر	علوم انسانی	۱۶	دارای رفتار خشونت	دهم	پایین
۲۰	داراب	ترک	کامپیوتر	۱۷	دارای رفتار خشونت	دهم	پایین
۲۱	علیرضا	ترک	حسابداری	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۲۲	عرفان	ترک	حسابداری	۱۸	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	متوسط
۲۳	سبحان	بومی کرج	علوم انسانی	۱۸	دارای رفتار خشونت	یازدهم	متوسط
۲۴	حمید	ترک	علوم انسانی	۱۸	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۲۵	پرهام	ترک	علوم انسانی	۱۷	دارای رفتار خشونت	دهم	پایین
۲۶	آبتین	فارس	علوم انسانی	۱۶	دارای رفتار خشونت	دهم	پایین
۲۷	روزبه	ترک	علوم تجربی	۱۶	دارای رفتار خشونت	دهم	بالا
۲۸	ماهان	ترک	علوم تجربی	۱۶	دارای رفتار خشونت	دهم	متوسط
۲۹	حبیب	بومی کرج	ریاضی فیزیک	۱۷	مطلع	یازدهم	متوسط
۳۰	مظفر	فارس	علوم انسانی	۱۷	دارای رفتار خشونت	دهم	متوسط
۳۱	رامین	ترک	کامپیوتر	۱۷	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	پایین
۳۲	مجتبی	ترک	کامپیوتر	۱۸	دارای رفتار خشونت	دوازدهم	پایین
۳۳	کریم	ترک	مکانیک	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۳۴	رحیم	ترک	آتش نشانی	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین
۳۵	نعیم	عرب	کامپیوتر	۱۷	مطلع	دوازدهم	متوسط
۳۶	منصور	لر	علوم انسانی	۱۷	دارای رفتار خشونت	یازدهم	پایین

شرایط زمینه‌ای

نشانه‌گر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش / کنش متقابل انجام می‌شود. شرایط زمینه‌ای در یک زمان و مکان خاصی و در ارتباط با شرایط علی و مداخله‌گر، یک موقعیت مساله ساز ایجاد می‌نمایند که در پس زمینه‌های خاصی بر افراد تاثیر می‌گذارند و آن‌ها را برای انجام کنش ترغیب می‌کنند (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵۴). تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با دانش‌آموزان مصاحبه شونده نشان می‌دهد، عواملی مانند «زندگی در محلات آسیب‌زا» و «ناهمگونی فرهنگی» زمینه ساز ورود آن‌ها به رفتارهای خشونت‌آمیز بوده است و این مقوله‌ها بستر و شرایط زمینه‌ای پژوهش را تشکیل داده‌اند.

زندگی در محلات آسیب‌زا

بر اساس یافته‌های پژوهش سکونت در محله‌هایی که دارای آسیب‌های بیشتری هستند زمینه را برای ساکنان آن محله بخصوص نوجوانان ایجاد می‌کند که در دام این‌گونه معضلات گرفتار شوند. زندگی در محلات حاشیه‌ای شهر کرج و یا محلاتی که قیمت مسکن در آنجا پایین‌تر است، زمینه ساز آشنایی افراد آن محلات با آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها گردیده؛ بگونه‌ای که انجام رفتارهای خشونت‌آمیز در این محلات امری عادی و در مواردی ضروری نیز می‌باشد، زیرا داشتن سطحی از خشونت برای اینکه افراد قربانی خشونت نشوند و بتواند بقا داشته باشند، در نگاه اول امری اجتناب ناپذیر است، اما به مرور زمان و همراه با تکمیل فرایندهای جامعه‌پذیری به عادت های رفتاری افراد تبدیل می‌شود که علاوه بر محلات، در محیط مدرسه نیز علیه همکلاسی‌ها و کادر آموزشی اعمال می‌کنند. بنابراین شرایط محیطی از عوامل گسترش خشونت در بین ساکنان محلات است، که این ویژگی رفتاری به سایر محیط‌ها از جمله مدارس انتقال می‌یابد.

امید (کد ۹) که خیلی اهل خشونت است در این ارتباط می‌گوید:

«در محلات به این دعوها عادت کردیم اگر به بهترین روان پزشک تهران هم مراجعه کنیم بی فایده است چون به این رفتارها عادت کردیم...».

کریم (کد ۳۳) که در مدرسه خیلی کم حوصله و زود رنج هست در این خصوص می‌گوید:

«بعضی محلات فاز گنده بازی به بچه‌ها میده، بچه‌هاش حالت لاتی دارن. نشسته هم باشی الکی میان گیر میدن چرا اینجا وایستادی اینجا فلانه اینجا بیساره قبلا خیلی دعوا می‌کردم الان سر به زیر شدم کاری به کسی ندارم و آرام شدم...».

داراب (کد ۲۰) که خیلی سابقه شرارت و درگیری دارد و تازگی بر اساس گفته‌های یک زن فال گیر به زندگی امیدوار شده در این ارتباط می‌گوید:

«اینجا چون محله فقر نشینی هست آمار آسیب‌های اجتماعی اش بالا هست، هیچ امکانات تفریحی نداره. منطقه ای که بد باشه و به بچه نساژه بچه را خراب می‌کنه خدایی دوست دارم از این ...آباد نجات پیدا بکنم. چشمم باز کردم جلوم دعوا بود، جلوم چاقو بود...».

به نظر می‌رسد الگوی رفتاری حاکم بر محلات و محیط‌های اجتماعی به دیگر افراد آن محیط به خصوص نوجوانان که مراحل یادگیری رفتاری‌های اجتماعی را کسب می‌نمایند، اثر گذار هستند. بخصوص محیط‌هایی مثل شهر کرج که با مهاجرت و بی‌ثباتی جمعیتی مواجه هستند، فراوانی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگ خشونت‌ورزی، زمینه‌گرایش بیشتر به این رفتارها را شدت می‌بخشد. از آنجایی که زندگی در محلات به صورت جمعی بوده و تحت تاثیر شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد، به خاطر روابط اجتماعی که بین آن‌ها ایجاد می‌شود و در مجاور هم سکونت دارند، بنابراین درک مشابهی از زندگی جمعی و علایق مشترکی در بین آن‌ها شکل می‌گیرد. از آنجایی که در محلات، سنت‌ها حاکم بر مناسبات و روابط اجتماعی هستند، بنابراین هویت مشابهی در هر محله بر ساخت می‌گردد (سامپسون^۱، ۲۰۱۲: ۸-۵۳).

ناهمگونی فرهنگی

بر اساس یافته‌های پژوهش؛ تفاوت‌های فرهنگی که در بین دانش‌آموزان در مدارس دیده می‌شود، یکی دیگر از بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری تعارضات و رفتارهای ضد اجتماعی است. از آنجایی که میدان پژوهش کلانشهر کرج می‌باشد که به علت وجود همه اقوام ایرانی در این شهر به ایران کوچک نیز لقب یافته است، بنابراین ناهمگونی‌های فرهنگی در این شهر بستری برای اعمال تعصب ورزی و اعمال خشونت علیه اقلیت‌های قومی در محلات مختلف فراهم نموده است. از لحاظ نگاه ساختاری و عاملیتی به شرایط زمینه‌ای نیز می‌توان به صراحت اذعان نمود که کنشگران تحت تاثیر الزامات ساختاری، رفتارهای خشونت‌آمیز در محیط مدارس مرتکب شده‌اند. بنابراین وقتی افرادی با دیدگاه‌ها و پایگاه فرهنگی و اقتصادی متفاوتی و با توجه به شرایط و ویژگی‌های سنی نوجوانی در کنار هم قرار می‌گیرند، زمینه برای انجام رفتارهای خشونت‌آمیز تشدید می‌شود.

جلال (کد ۱۸) که سابقه چندین درگیری با دانش‌آموزان در محیط مدرسه داشته در این ارتباط می‌گوید:

«فاز بچه‌های این مدرسه با من یکی نیست، چون بچه‌ها از جاهای مختلفی میان این مدرسه، دعوا به خاطر اینه با ما غریبه‌ها درگیری شروع می‌کنن مثلاً میگن محله ماست. بیشتر دوازدهم‌ها میان با من درگیر می‌شن ...».

داراب (کد ۲۰) در این ارتباط می‌گوید:

«بچه‌هایی که از گوهر دشت اینجا میان سطح اقتصادی و فرهنگی شون بالاست، بچه‌های این محله از روی بی عقلی اذیت شون می‌کنن باشون دعوا می‌کنن، بچه‌های محله ما عقل ندارند ...».

یا رشید (کد ۱۷) یکی از مشارکت‌کنندگان این پژوهش که به گفته خودش سیگاری و اعصاب پایینی دارد، در این خصوص می‌گوید:

«وقتی دو نفر کنار هم باشن اختلاف نظر و سلیقه هست، مثلاً من می‌گم این درسته طرف مقابلم میگه این اشتباهه. من باورم چیزی دیگری هست سر این درگیری می‌شه ...».

مظفر (کد ۳۰) که دارای انضباط بسیار پایین و بیشتر رفتارهای خشونت‌آمیزش با معلمین است در این ارتباط می‌گوید:

«افراد طبقات بالای جامعه نمی‌تونن بیان داخل این مدرسه و نمی‌تونن دوام بیان، اذیت می‌شن. بچه‌ها چیزی‌هایی میگن که تا حالا نشنیده‌اند، اونها غیردولتی و مدارس خوب درس می‌خونن این کارها را ندیدن ...».

به نظر می‌رسد وجود عقاید متفاوت و سبک‌های زندگی مختلف، زمینه برای فهم و درک متفاوتی از پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌نماید و این فهم متفاوت در یک محیط اجتماعی با خرده فرهنگ‌های گوناگون از سراسر کشور ایران در شهر کرج، تعارضات اجتماعی را رقم می‌زند که در محیط‌های مدارس و در بین نوجوانان، خشونت اصلی‌ترین نمود آن می‌باشد.

شرایط مداخله گر^۱

شرایط ساختاری که به پدیده تعلق دارند و بر راهبردهای کنش / کنش متقابل اثر می‌گذارند و راهبردهایی (استراتژی‌ها) را در درون زمینه‌ی خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن‌ها را محدود می‌کنند (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۰۴). بنابراین این شرایط در تشدید یا تخفیف، شرایط علی بر پدیده مرکزی نقش اساسی دارند. در این تحقیق مقوله‌های «ارتباط با دوستان خشونت‌ورز» و «شرایط فردی» به عنوان شرایط مداخله گر تعیین شدند.

ارتباط با دوستان خشونت ورز

بر اساس یافته های پژوهش ارتباطات و تعاملات دوستانه با افرادی که دارای رفتارهای خشونت پز هستند، نقشی اساسی در شکل دهی به رفتارهای همسالان خواهد داشت. بنابراین توجه به مقوله مهم انتخاب دوست یکی از اساسی ترین راهبردها برای داشتن روابط سالم و سازنده است.

کامیار (کد ۱) یکی از مشارکت کنندگان مطلع در این رابطه می گوید:

«دوستان تشویق می کنند؛ مُشت بزَن کله بزَن چون هیجان داره یک جورایی دَنده می دهند میگن فحاشی به ناموس تون کرد، دوستان دعوا راه می اندازند و تشویق هم می کنند ...».

افشین (کد ۲) که سابقه درگیری فراوان با حمایت دوستانش داشته، در این رابطه می گوید:

«دوستانم می گویند خوب کاری کردید تشویق می کنند کاری می کنند دوباره درگیر بشیم. تنهایی وارد درگیری نمی شوم از رفیق هام کمک می گیرم دیروز هم بود چشم تو چشم شد و بهم گیر دادن اونها چهار نفر بودن در حد چند چک بهم زدیم هر ماهی یک درگیری دارم ...».

مسعود (کد ۵) که سابقه دعوا و پرداخت دیه دارد، در این ارتباط می گوید:

«مثلا دوستی میاد پُرت می کنه، دَنده میدن میگه برو فلانی رو بزَن به شما فحش خواهر، مادر داده یک تیزی بهش میده میگه برو بزَنش طرف را شیر می کنه من بجای شما بودم این کارها را می کردم، تو می تونی بزَنیش تو کی هستی، هندوانه زیر بغل آدم می زارن ...».

مظفر (کد ۳۰) در این ارتباط می گوید:

«بستگی به خودمون داره چه دوستانی انتخاب کنیم، دوستان سیگاری معتاد و الکلی خیلی تاثیر دارند من دو سال راهنمایی خیلی اشتباه کردم دوستانم بد انتخاب کردم پاش هم وایستادم خیلی هم اذیت شدم ...».

آنچه از دیدگاه شرکت کنندگان در رابطه با این مقوله برداشت می شود، دوستانی که افراد با آن ها رابطه دارند، بر اساس کیفیت و شدت روابط، نقش مهمی در گرایش و الگوبرداری افراد از رفتارهای آن ها دارند.

شرایط نوجوانی

از جمله مسائل مهم دیگری که در گرایش به رفتارهای همراه با خشونت تاثیر دارد، شرایط روحی و روانی دانش آموزان به خاطر مسائل و هیجان های نوجوانی است که به دنبال دستیابی به لذت و شادی هستند. دعوا و درگیری عمدتاً مردانه است و بخش اعظم قربانیان و ضاربان این نوع از رفتار خشونت آمیز در سنین ۱۸ تا ۲۰ سالگی به اوج می رسد و با افزایش سن کاهش می یابد (مشونیس، ۱۳۹۷: ۳۱۷). اکثر یافته های پژوهش در این بخش نشان می دهد، افراد با انجام خشونت به دنبال خوشگذرانی، سرگرمی و رسیدن به آرامش برای خودشان هستند و غالباً از آسیب هایی که برای دیگران ایجاد می کنند، غفلت می ورزند.

بر اساس یافته های پژوهش ویژگی های دوره نوجوانی، کم تجربگی و احساسی بودن باعث واکنش های تند در تعاملات اجتماعی می شود.

رحیم (کد ۳۴) که سابقه دعوا و پرداخت دیه دارد، در این خصوص می گوید:

«بچه ها در این سن با نمکی و با حالی خودشون نشون می دن، حالتی که دارن مثلاً خنده، خشم اونم تبدیل به رفتار می شه ...».

داراب (کد ۲۰) در این ارتباط می گوید:

«آدم در این سن مغرور می‌شه به سن هم نیست به عقل آدم بستگی داره. یکی در ۱۰ سالگی به این سن بلوغ می‌رسه یکی در ۲۵ سالگی. آدم فکر می‌کنه از همه بزرگ تر هست و کارهایش از همه درست تره، من کاری به کسی ندارم، سرم پایین می‌ندازم میام و می‌رم، کسی به پرم بیچه، پَرپَرش می‌کنم...».

حبیب (کد ۲۹) که در مدرسه تیزهوشان درس می‌خواند و شناخت جامعی از خشونت‌ورزی دانش‌آموزان دارد، در این خصوص می‌گوید:

«دنبال لذت و تفریح هستن مثلاً الکی خط و خال می‌اندازن، خود زنی می‌کنن، به بقیه گیر میدن گندگی خودشون نشون میدن از طرز حرف زدن هاشون در دعوا هم مشخص هست...».

مصرف مواد و مشروبات نیز باعث دامن زدن به خشونت می‌شود. چون میل شدیدی در افراد ایجاد می‌کنند و باعث خشونت‌ورزی می‌شود. همچنین زمینه اختلال در قضاوت و تصمیم‌گیری صحیح ایجاد می‌کنند و باعث از بین رفتن ترس و شرم در افراد می‌گردد (همان: ۴۵۶).

پارسا (کد ۶) که سابقه دعوی زیادی دارد، در این ارتباط می‌گوید:

«بیشتر درگیری‌ها از نظر من به خاطر مصرف مشروب، عرق و اینها هست آدم رو از حالت طبیعی خارج می‌کنه اگر مست کنند دعوا می‌شه، داد می‌زنند لگد می‌زنند وسیله می‌شکنند سر بقیه خالی می‌کنند...».

از مصاحبه‌های بالا این‌گونه استنباط می‌گردد این نوع برخورد افراد در تعامل با دیگران و واکنش سریع نشان دادن ریشه در شرایط روحی و روانی در دوران بلوغ و نوجوانی دارد که در محیط‌های جمعی مانند مدارس به صورت رفتارهای خشونت‌آمیز نمود می‌یابد.

بلوغ یک گذار پیچیده و یکپارچه است که شامل رشد مغزی، عملکرد عصبی و غدد درون‌ریز می‌شود. همچنین همراه با رشد جسمی، نوجوانان در نقش‌ها و روابط اجتماعی خود، در نحوه تفکر درباره خود و دیگران و چگونگی پردازش و پاسخگویی به دنیای پیرامون خود و مهارت‌های اجتماعی، دچار تغییراتی می‌شوند (مندل و همکاران^۱، ۲۰۱۹).

راهبرد (استراتژی) کنش / کنش متقابل^۲

به مدیریت، کنترل، اداره و برخورد با پدیده، که از طرف کنشگران و تحت شرایط مشاهده شده خاصی انجام می‌شوند، راهبرد یا استراتژی کنش گفته می‌شود (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۰۵). تعامل‌ها، راهبردها یا فرایندها بیانگر آن دسته از تعامل و کنش‌هایی هستند که کنشگران در قبال آن شرایط بروز داده‌اند. در این پژوهش راهبردها در دو دسته فعالانه شامل (قلدرنمایی، انکار خشونت‌ورزی، ایجاد هدفمندی و گفتگو) و راهبرد منفعلانه (خودداری از کنش خشونت‌آمیز) بوده است که دانش‌آموزان دارای رفتارهای خشونت‌آمیز بکار برده‌اند:

خشونت در مقابل خشونت

نمایش قلدری و کسب هویت قلدرمآبانه یکی دیگر از راهبردهایی است که دانش‌آموزان دارای رفتارهای خشونت‌آمیز بکار می‌گیرند، بخصوص زمانی که اهداف مشخص و انگیزه لازم برای تحصیل نداشته باشد، سمت هنجار شکنی و نادیده گرفتن قواعد و مقررات مدرسه می‌روند و در این میان در تعاملات با دیگران رفتارهایی نامتعارف و زورگویانه در پیش می‌گیرند:

1 Mendle

2 Action / Interaction

در مواردی نافرمانی از دستورات، آموزش و قواعد کلاسی یک معلم نیز برای دانش آموزان کسب وجهه به دنبال دارد: سالار (کد ۱۶) یکی از مشارکت کنندگان این پژوهش که دارای رفتارهای خشونت آمیز در محیط مدرسه است در این خصوص می گوید:

«معلم هایی داریم که حرف های زشت می زنند یا سخت گیری می کنند، منم از کلاس شون بیرون می روم افرادی که مثل من غیرت دارند پشت سر من میان بیرون ...».

نوجوانان برای رسیدن به خواسته های خود، از زور و تهدید استفاده می کنند، همچنین در مواردی دعواهای ساختگی ایجاد می کنند تا از این طریق موقعیت برتر خود را به نمایش بگذارند.

ایجاد هدفمندی

اکثر پاسخگویانی که مرتکب رفتارهای خشونت آمیز شده، با تنبیهات و چالش هایی مواجه شده اند، بگونه ای که در حال حاضر از رفتارهای قبلی خود احساس پشیمانی می کنند، مسیرهای انگیزشی و موفقی برای خود ترسیم و پیگیری نموده اند. بیشتر پاسخگویان با توجه به اینکه سرشار از انرژی مضاعفی بوده اند به سمت ورزش رفته اند:

مظفر (کد ۳۰) در این ارتباط می گوید:

«من خنثی بودم، خنثای وحشی، تازه وارد جمع شدم. یک مقداری ورزش بوکس می رفتم دو تا مقام استانی دارم و یک چهارم جهانی دارم، باشگاه های رزمی برای افرادی مثل من که که بیش فعال هستم، باعث می شه انرژی مون خالی بشه و خشونت پایین بیاد ...».

همچنین داشتن امید، انگیزه و هدف آدم را در مسیر بهتری برای زندگی قرار می دهد.

رامین (کد ۳۱) که به خاطر اعتیاد پدرش همزمان با تحصیل، کار هم می کند و رفتارهای خشونت آمیز فراوانی طی سال های گذشته داشته است، در این ارتباط می گوید:

«هدف خیلی بزرگی برایم ایجاد شد و یک جایی مشغول شدم، این احساس بهم دست داد که از جنبه های مثبت بزرگ شدم به این نتیجه رسیدم اگر این کارها ادامه بدم کسی دور و برم نمی مونه. فکر کردم به جای آزار به مردم کمک شون کنم به این نتیجه رسیدم معرفت از همه چی بالاتر هست ...».

حمید (کد ۲۴) که اعصاب پایینی دارد، در این ارتباط می گوید:

«من می خواستم خط بندازم پشت سرم، اما فکر کردم گفتم اگر خط بندازم و فوتبالیست معروفی بشم نمی گن، این آدم شروری

هست ...».

بر اساس یافته های پژوهش داشتن انگیزه و هدف قوی، سد محافظتی محکمی برای خشونت ورزی دانش آموزان ایجاد می کند، اهدافی از قبیل استخدام در آینده، کسب درآمد در زمان حاضر، دستیابی به موفقیت های ورزشی نمونه هایی از اهدافی هستند که می توانند در کاهش خشونت ورزی دانش آموزان موثر واقع بشوند.

خودداری از کنش خشونت آمیز

یکی از استراتژی های منفعلانه مشارکت کنندگان در این پژوهش، در مواجهه با موقعیت هایی که برخلاف میل و خواسته آن ها رخ داده است، به روش های مختلفی سعی در عدم خشونت ورزی و خودداری از خشونت به روش های زیر داشته اند.

منصور (کد ۳۶) که سوابق رفتارهای خشونت‌آمیز فراوانی دارد در این ارتباط می‌گوید:

«من با مساله‌ای نتونم کنار بیام خشن میشم، غصه و حرصی که می‌خورم توی خودم می‌ریزم تا خانواده ام ناراحت نشن، به کسی ضرر و زیان و آسیب نزنم و باعث اوقات تلخی کسی نشم، درسته خودم ناراحت میشم اما به مرور زمان فراموش می‌شه...».

تغییر موقعیت یکی دیگر از راهبردهای خودداری از خشونت‌ورزی است.

جواد کد (۱۲) از مطلعین شرکت کننده در این پژوهش که از خشونت‌های همکلاسی‌ها و محیط مدرسه ناراحتی‌هایی دارد، در این خصوص می‌گوید:

«من می‌گم رقیب انسان باید خود فرد باشه اما کسی که ریاکاری می‌کنه و خودش را برتر می‌دونه من از اون فرد و موقعیتی که فشار برایم ایجاد می‌کنه، همیشه فاصله گرفتم و خودم را قوی کردم...».

بر اساس یافته‌های پژوهش، مشارکت کنندگان برای اینکه دچار عواقب و پیامدهای منفی خشونت‌ورزی در ابعاد مختلف روحی و روانی، ضرر مالی و پرداخت دیه، سوء پیشینه و غیره نشوند، مکانیسم دوری از خشونت بکار می‌گیرند هر چند در مصاحبه‌ها بیان می‌کردند، در صورتی که به مسائل ناموسی و یا شخصیت آن‌ها توهین شود، به ناچار وارد درگیری می‌شوند.

پیامدها^۱

پیامدها بیانگر نتایج تعامل‌ها و راهبردهاست و تحت تأثیر شرایط مربوط به آن‌هاست. این پیامدها، همیشه قابل پیش بینی نبوده و هدفمند صورت نمی‌گیرند. در این مقوله «آسیب‌های روانی»، «ضرر مالی»، «سوء پیشینه»، «پشیمانی و حسرت» و «تنبیه» پیامدهایی هستند که در مورد افرادی که در این چرخه قرار می‌گیرند، نمود می‌یابد. بدین معنی که افراد بر اساس شرایط خانوادگی، وقتی تحت تأثیر محیط و گروه‌های دوستان قرار می‌گیرند باعث تداوم خشونت و ایجاد محیط اجتماعی ناایمن می‌شوند.

سوء پیشینه

یکی دیگر از نگرانی‌های افرادی که سابقه خشونت‌ورزی داشتند، سابقه منفی بود که به صورت رسمی در مدارس، دادگاه‌ها و پلیس و همچنین به صورت غیررسمی در بین محل، خانواده و دوستان برای آن‌ها ایجاد شده بود:

کامیار (کد ۱) در این خصوص می‌گوید:

«در جامعه بدسابقه می‌شوند شرکت‌ها راه‌شون نمی‌دهند و در نیروی انتظامی هم استخدام نمی‌شوند...».

یکی دیگر از پیامدهای افراد نابهنجار در مدارس، مربوط به از دست دادن فرصت‌های آینده‌آل زندگی است. چون در مسیر جامعه‌پذیری آن‌ها اختلال ایجاد می‌شود و مهارت‌های لازم برای زندگی در آینده کسب نمی‌کنند.

مسعود (کد ۵) در این ارتباط می‌گوید:

«افرادی مثل من که پرونده در دادگاه و کلانتری دارند از استخدام دولتی محروم می‌شن، فرد سابقه دار و بدنام در بین فامیل‌ها می‌شه، خواستگاری می‌ره می‌گن بد سابقه بوده، توی محله اسمت بد می‌شه باید از اون محله هم بری...».

پشیمانی

یکی دیگر از مقولاتی که از متن گفتگوهای اکثریت مشارکت کنندگان استخراج گردید، مقوله پشیمانی و حسرت به خاطر انجام این رفتارها و عمر سپری شده بی حاصل بود و به عنوان یکی دیگر از پیامدهای منفی در مصاحبه ها بیان می شد. این مشارکت کنندگان از انجام کارهای انجام شده قبلی خود پشیمان بودند و خیلی از آن ها در حسرت بازگشت به سن قبل از شروع خشونت ورزی شان بودند، هر چند اکثریت آن ها در خصوص خشونت به خاطر مسائل ناموسی اصلاً پشیمان نبودند و اظهار می داشتند در صورت مواجه شدن با همچنین موقعیتی مجدد به خشونت متوسل می شوند.

محمود کد (۳) که فردی خشن و در حال درگیری لفظی با یکی از دانش آموزان در گوشه ای از مدرسه بود، در این ارتباط می گوید: «خشونت زیبایی صورت از بین می بره احتمال کتک خوردن داره، احتمال از دست دادن اعضای بدن داره، دوست دارم به بچگی هشت سالگی ام برگردم ...».

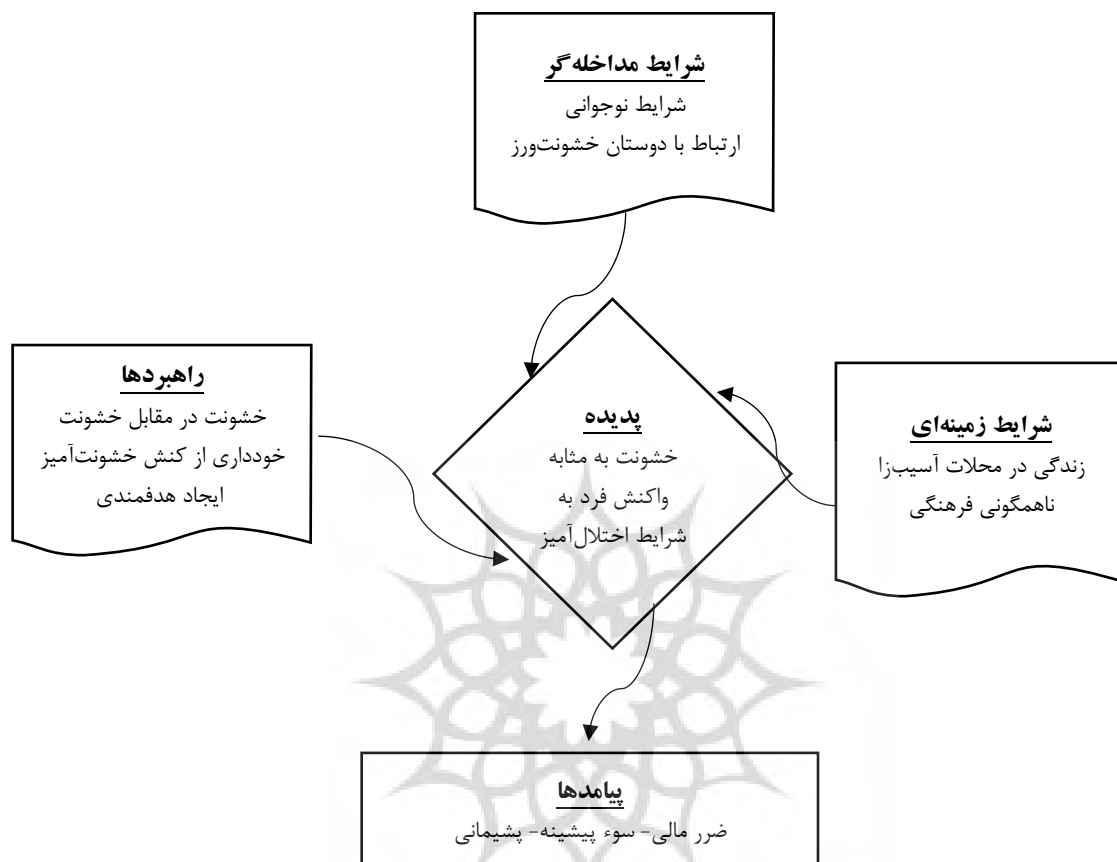
کیان (کد ۷) یکی از دانش آموزان پرخاشگر و بی انگیزه به امر تحصیل که تجربه چهار سال سابقه کارگری در تهران و زندگی جداگانه از والدینش دارد، در این خصوص می گوید: «خدا نکنه آدم به این روز بیفته، می سوزه اینقدر حرص می خوره این همه پول الکی به کسی بدی، الان دماغ شده ۱۲۰ میلیون که می تونی باش کار و کاسبی راه بندازی ...».

ضرر مالی

یکی دیگر از پیامدهایی که دانش آموزان دارای رفتارهای خشونت آمیز با آن مواجه شده بودند، پرداخت دیه و ضررهای مالی جانبی از قبیل هزینه های پزشکی و درمانی و از بین رفتن وسایل آن ها بود. مسعود (کد ۵) در این ارتباط می گوید:

«دعوا و درگیری آخر و عاقبت خوشی نداره، باید دیه پرداخت کنی و کارت را بکشی، طرف رضایت نده باید زندان هم بری و جریمه پرداخت کنی ...».

بر اساس یافته های پژوهش دانش آموزان دارای رفتارهای خشونت آمیز با طیفی از پیامدهای مختلف مواجه گشته اند. مهم ترین یافته این بخش پشیمانی دانش آموزان از انجام این گونه رفتارها بوده است که می تواند راهنمایی برای دانش آموزان در سنین پایین تر باشد تا بیشتر بتوانند رفتارهای خود را به سمت و سوی منطقی و گفتگو سامان دهند و از رفتارهای خشونت آمیز فاصله بگیرند. پس از پیاده سازی متن کلیه مصاحبه ها در پایان هر مصاحبه و غربالگری آن ها، تعداد ۶۵ کد باز (مفاهیم) استخراج و در مرحله ی بعدی در ۲۳ کد محوری (مقوله) نهایی گردیدند. مقوله ی مرکزی پژوهش تحت عنوان «خشونت به مثابه واکنش فرد به شرایط اختلال آمیز محیطی» نام گذاری گردید. چون خشونت و اعمال آن به نوعی نمایان گر فروپاشی کنشگر به خاطر تعامل با دوستان خشونت ورز، شرایط فرهنگی و محیطی نامناسب می باشد و فرد بر اثر فشارهایی که در موقعیت هایی مختلف احساس می کند، واکنش های خشونت آمیزی از خود نشان می دهد. در نهایت مدل پارادایمی خشونت در قالب نمودار شماره ۱ ترسیم گردیده است.



نمودار شماره ۱: مدل پارادایمی خشونت دانش‌آموزان

همچنین بر اساس مشاهدات صورت گرفته و استخراج متن مصاحبه‌ها، ۴ نوع خشونت که کنش‌گران در روابط و مناسبات اجتماعی در مدارس اعمال نموده‌اند، سنخ‌شناسی گردیده است که عبارتند از: خشونت لذت طلبانه^۱، خشونت قلدرمآبانه^۲، خشونت متعصبانه^۳ و خشونت انتقام جویانه^۴.

1 hedonistic violence

2 bullying violence

3 fanatical violence

4 revengeful violence

جدول شماره ۲: سنخ‌شناسی اعمال خشونت در مدارس

ردیف	نوع کنش	شیوه غالب	قربانیان غالب	حس غالب کنشگر	طبقه کنشگر
۱	خشونت لذت طلبانه	کلامی، سایبری	دوستان	شادی	بالا
۲	خشونت قلدرمآبانه	فیزیکی	همکلاسی ها	بزرگی	متوسط و پایین
۳	خشونت متعصبانه	روانی	اقلیت های قومی	انزجار	متوسط
۴	خشونت انتقام جویانه	فیزیکی، کلامی	معلمان مدرسه	دشمنی	پایین

بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای تحلیل و تفسیرهای به دست آمده از یافته‌های پژوهش مشخص گردید، درهم تنیدگی عوامل ساختاری و عاملیتی در انجام کنش‌های خشونتی دانش‌آموزان در مدرسه نقش اساسی داشته است. به نقش بستر ساز شرایط محیطی و محله‌ای آسیب‌زا، به عنوان عامل مهم و ریشه‌ای در گرایش دانش‌آموزان به خشونت‌ورزی باید اشاره نمود. در محلاتی که افراد دوره کودکی و نوجوانی خود را در محیط‌های حاشیه‌ای و گرفتار در انواع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی سپری می‌کنند، به افراد آن محله، حس پایین شهر بودگی القاء می‌گردد و از آن جایی که ویژگی رفتاری حاکم بر محله، خشونت‌ورزی برای در امان ماندن از زورگویی قلدران و از طرفی دیگر داشتن سطحی از خشونت برای پذیرش در باندهای بزهکاری در آن محلات محسوب می‌شود، بنابراین عادت به کنش خشونت‌ورزانه از سنین کودکی به ویژگی رفتاری افراد تبدیل می‌شود. افرادی در این پژوهش بیان می‌داشتند، همین که چشم و گوش‌شان به محیط بیرون از خانه باز شد، شاهد چاقوکشی، درگیری و فحاشی بوده‌اند، به همین خاطر این افراد هم به دلیل یادگیری این رفتارها در دام خشونت گرفتار شده‌اند. در پژوهش هاشمی و مردانی (۱۴۰۰) و قادرزاده و قادری (۱۳۹۵) نیز سکونت در محلات حاشیه‌ای بر خشونت‌ورزی نوجوانان تاثیر داشته است. این گونه یادگیری رفتارهای خشونت‌آمیز، فقط خاص جامعه ایران نیست چنان که اسوانیانا و همکاران (۲۰۱۹)، شرر و شرر (۲۰۱۱)، وول (۲۰۰۷) و رید و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش‌های خود نیز نشان داده‌اند که زندگی و سکونت در محلات حاشیه‌ای و پایین شهر، در گسترش خشونت‌ورزی افراد آن محله نقش اساسی دارد، در این پژوهش نیز شرایط محیطی، چنین تاثیر قابل ملاحظه‌ای در خشونت‌ورزی افراد داشته است. علاوه بر این، کمبود امکانات رفاهی و تفریحی در محلات حاشیه‌ای، فرصت‌های سازنده برای تخلیه انرژی و پرورش مهارت‌های اجتماعی مثبت را محدود کرده و در نتیجه، شرایط خشونت‌ورزی را تشدید می‌کند.

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی پژوهش، نقش دوستان و همسالان در خشونت‌ورزی دانش‌آموزان بوده است. افرادی که الگویابی رفتاری خود را غیر از خانواده قرار می‌دهند، دیگر عاملان جامعه‌پذیری مانند دوستان به مرجع اصلی در شکل‌دهی به رفتار آن‌ها تبدیل می‌شود و اگر آن‌ها دارای روحیه خشونت‌ورزی باشند، ویژگی‌های شخصیتی و روحیات آن‌ها به دوستان‌شان سرایت می‌کند. بنابراین اشتباه در انتخاب دوست پیامدهای ناگواری برای فرد به دنبال دارد و این انتخاب تا مرحله نابودی زندگی، ممکن است، مخرب باشد. در این میان، نقش مشاوران و برنامه‌های آموزشی در آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان درباره انتخاب دوستان و تأثیرات آن بر رفتارهای اجتماعی، می‌تواند نقشی کلیدی در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز داشته باشد. نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص نقش دوستان از جمله داوری (۱۳۹۸) و علیزادگانی و همکاران (۱۳۹۶) و در پژوهش‌های خارجی؛ براون (۲۰۲۱)، سلیبس و همکاران (۲۰۱۲) و شرر و شرر (۲۰۱۱) حاکی از اهمیت فراوان نقش دوستان دارای رفتارهای خشونتی و بزهکارانه در تداوم رفتارهای خشونت‌آمیز بوده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به شناخت بسترهای زمینه‌ساز خشونت دانش‌آموزان پرداخته است، یکی از

نکات کلیدی که در این زمینه می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند، توجه به استراتژی‌های مقابله‌ای است. این استراتژی‌ها می‌توانند در تعامل با محیط‌های آسیب‌زا و روابط اجتماعی مؤثر باشند و موجب تغییر در رفتارهای خشونت‌آمیز شوند. از جمله این استراتژی‌ها می‌توان به تقویت مهارت‌های اجتماعی، مشاوره‌های روانی و طراحی برنامه‌های پیشگیرانه اشاره کرد.

از آنجایی که محیط این پژوهش (شهر کرج) متشکل از اقوام مختلف ایرانی و با تنوع زبانی و فرهنگی بسیار بالایی سازمان یافته است و از طرف دیگر با تغییرات شدید هویتی مواجه شده است، بنابراین یکی دیگر از مقوله‌های بستر ساز برای رفتارهای خشونت‌آمیز دانش‌آموزان، ناهمگونی فرهنگی در جنبه‌های مختلف محیطی، محله‌ای، زبانی، تفاوت در پایگاه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و حتی شکاف بین نسلی در خانواده‌ها بوده است. این ناهمگونی‌ها در مدارس چندفرهنگی مانند محیط پژوهش حاضر (شهر کرج)، باعث افزایش تعارضات میان‌فردی می‌شود. برای کاهش این تعارضات، نیاز به طراحی برنامه‌هایی برای تقویت تعاملات بین‌فرهنگی و ایجاد درک متقابل میان دانش‌آموزان وجود دارد. گرمابی (۱۳۹۹) و نصیری (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود نشان داده‌اند که ناهمگونی‌های فرهنگی زمینه تعارض و خشونت بین نوجوانان را تشدید می‌نماید.

در نهایت نقش عوامل شخصیتی و روانی کنشگر در هر موقعیتی که زمینه انجام کنشگری وجود دارد، اساسی است. در این پژوهش ویژگی‌های روحی و روانی افراد در تعامل با شرایط محیطی، خانودگی و تعامل با دوستان منجر به خشونت‌ورزی در دانش‌آموزان شده است. ویژگی‌های روحی و روانی در این پژوهش نشان از لذت‌طلبی، تمایل به شوخی، عشق به لات بودن و کسب معروفیت که به نوعی کنشگر با دیدی لذت‌طلبانه به دنبال دستیابی به هویتی برتر و قلدرمآبانه می‌باشد، این‌گونه سبک زندگی خشونت‌ورزانه را در پیش می‌گیرد. هاشمی و مردانی (۱۴۰۰)، سهراب‌زاده و سلیمان‌نژاد (۱۳۹۹)، گرمابی (۱۳۹۹)، داوری (۱۳۹۸)، یاری قلی و همکاران (۱۳۹۷)، علیزادگانی و همکاران (۱۳۹۶)، آژیراک (۱۳۹۲)، آلوارز-گارسیا و همکاران (۲۰۲۰) و شرر و شرر (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود نشان داده‌اند که عوامل فردی و شخصیتی افراد در کنش‌های خشونت‌آمیز نقش داشته‌اند.

یکی از راهبردهایی که توسط مشارکت‌کنندگانی که دارای رفتارهای خشونت‌آمیز فراوانی بوده‌اند، بکار گرفته شده، راهبرد ایجاد هدفمندی در زندگی بوده است. این قبیل افراد که بیش فعال بوده و رفتارهای خشونت‌آمیز فراوانی داشته‌اند، از طریق مشاوران حرفه‌ای، مشاوران مدارس و دوستان صمیمی با مراکز انگیزشی و کلاس‌های مهارت‌آموزی در یک مسیر شغلی، حرفه‌ای و ورزشی قرار گرفته و هدفمند شده‌اند. انجام رشته‌های ورزشی رزمی و فوتبال و همچنین وارد شدن در بازار کار که انرژی بدنی بیشتری مستلزم آن‌ها است، دیگر راهبردهایی بود که افراد دارای انرژی بکار برده بودند. یکی دیگر از راهبردهایی که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از آن استفاده می‌کردند، خودداری از کنش خشونت‌آمیز بود، بدین معنی که بر اساس تجربه و یا مراجعه به دفاتر مشاوره، کنش‌هایی نظیر تغییر موقعیت، نفس عمیق کشیدن، صلوات فرستادن، شمردن طولانی اعداد و غیره برای کاهش سطح ناراحتی و عصبیت خود بکار می‌گرفتند. این قبیل مشارکت‌کنندگان با توجه به پرداخت دیه و ضررهای مالی که متحمل شده بودند از این راهبرد البته به گفته خودشان صرفاً برای مسایل جزئی بکار می‌بردند و اظهار می‌داشتند در صورتی که در موقعیتی قرار بگیرند که مسائل ناموسی و خانودگی آن‌ها مورد هجوم قرار بگیرد، حتماً وارد خشونت فیزیکی می‌شدند. بر اساس سطح تاب‌آوری افراد، شدت و ضعف کارآمدی این مکانیسم‌ها متفاوت بوده است، به این معنی که تعدادی با انجام گفتگو به خشونت و ناراحتی خود پایان داده و یا در حد خشونت کلامی داشته‌اند، اما در بیشتر موارد مشارکت‌کنندگان این پژوهش، زمانی که به تفاهم نرسیده‌اند بعد از شدت گرفتن خشونت‌های کلامی و با توجه به تحریک اطرافیان وارد خشونت فیزیکی شده و آسیب‌های فراوانی بر طرفین درگیری وارد شده است. راهبرد انتخاب مسیر زندگی و هدفمندی، کارآمدی و اثرگذاری بیشتری نسبت به دیگر راهبردها داشته است. به عنوان مثال یکی از مشارکت‌کنندگان با تمرکز بر مطالعه حقوق و مهارت‌آموزی در فروشنده‌گی، مسیر زندگی خود را تغییر داده است.

در این پژوهش رفتارهای خشونت‌آمیز برای دانش‌آموزان پیامدهای منفی فراوانی به همراه داشته است. یکی از پیامدهای منفی رفتارهای خشونت‌آمیز ضرر و زیان های مالی بوده است که بر افراد و خانواده‌های آن‌ها تحمیل شده است. خیلی از پاسخگویان به پرداخت دیه‌ای که داشته‌اند، اشاره نموده و هزینه‌های پزشکی و درمانی و همچنین از بین رفتن وسایل مانند گوشی همراه و پاره شدن لباس ها و غیره مواجه شده‌اند. یکی دیگر از پیامدهای منفی خشونت‌ورزی مشارکت کنندگان این پژوهش، ایجاد پرونده انضباطی در مدارس، کلاستری‌ها و دادگستری بوده که باعث نگرانی ها و مانعی برای استخدام و حتی ازدواج آن‌ها بوده و به این پیامدها همراه با حسرت و پشیمانی در مصاحبه‌ها اشاره می‌کردند.

نکته مهم در رابطه با انجام کنش‌های خشونت‌آمیز در فضای مدارس، بازتولید این کنش رفتاری توسط عاملان آن، در آینده و در سطوح مختلف خواهد بود، چون نوجوانان در سنینی هستند که اگر خشونت را در فضای مدرسه تجربه کنند و برای آن‌ها نهادینه شود، پس از تشکیل خانواده و در روابط خانوادگی دست به خشونت خواهند زد. همچنین در محیط‌های کاری و در روابط و مناسبات مختلف اجتماعی نیز اعمال خشونت‌آمیز خواهند داشت، زیرا نهاد مدرسه که محیطی برای آموزش هنجارها و نهادینه کردن ارزش‌ها برای دانش‌آموزان است، پیامد این مسئله آموزش ضد‌هنجارها در جامعه خواهد بود.

بنابراین، بر اساس نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش، خشونت نوجوانان علاوه بر ویژگی‌های فردی، ریشه در ارتباط با دوستان خشونت‌ورز و عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی دارد و خشونت به مثابه واکنش فرد به شرایط اختلال‌آمیز محیطی است که دانش‌آموزان وقتی در شرایط و موقعیت‌های متفاوتی قرار می‌گیرند، به خاطر سطح پایین تاب‌آوری اجتماعی، کنش خشونتی از خود نشان می‌دهند و این نوع رفتارهای خشن، پیامد عواملی می‌باشد که در این پژوهش بر ساخت گردید.

با توجه به اینکه سکونت در محلات حاشیه‌ای و آسیب‌زا، گرایش دانش‌آموزان را به رفتارهای خشونتی افزایش می‌دهد، لذا ساماندهی و توانمندسازی محلات کم‌برخوردارتر از طریق فراهم نمودن امکانات رفاهی، تفریحی و ورزشی می‌تواند سرگرمی و اوقات فراغت مناسبی برای ساکنین فراهم نموده و در کاهش گرایش افراد به خشونت نقش داشته باشد. در صورتی که برای ارتقای سلامت اجتماعی محلات در ابعاد مختلف برنامه ریزی شود، این چرخه تولید و بازتولید خشونت در محیط‌های نابسامان و معیوب قطع شده و میزان خشونت در سطح مدارس کاهش خواهد یافت. همچنین با توجه به اینکه ایجاد مشغولیت، هدفمندی و ترسیم آینده شغلی در کنترل و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز، تاثیر داشته است، در این خصوص پیشنهاد می‌گردد، از راه‌های مختلف زمینه مشغولیت نوجوانان در زمینه‌های مختلف در جامعه فراهم گردد. در این خصوص مشغولیت نوجوانان در فعالیتهای ورزشی، سالم و مولدی که باعث توسعه و ترقی آن‌ها گردد، پایه و اساس راهکارهایی است که از رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان جلوگیری می‌کند. برنامه‌های مهارت‌آموزی مانند فروشندگی، حرفه‌آموزی و فعالیتهای هنری یا علمی، می‌توانند جایگزینی مثبت برای تخلیه انرژی و تقویت خودپنداره دانش‌آموزان باشند. به عنوان مثال، تجربه عرفان کد (۲۲) نشان داد که مسیر مطالعه و شغلی هدفمند، تأثیری سازنده بر کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز وی داشته است.

با توجه به ضرورت انجام پژوهش‌هایی با موضوع رفتارهای خشونت‌آمیز؛ پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی در بین دیگر سنین و قشرهای جامعه و با تاکید بر محلات حاشیه‌ای که بیشترین نمود رفتارهای خشونت‌آمیز در بین آن‌ها وجود دارد، انجام شود. همچنین بر اساس نتایج این مطالعه و شیوع گسترده رفتارهای خشونت‌آمیز و روند صعودی آن در بین نوجوانان، پیمایش رفتارهای خشونت‌آمیز در سطح ملی پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات پیش رو به این مهم پرداخته شود. با توجه به اینکه بیشتر مشارکت کنندگان اظهار می‌داشتند در سنین پایین‌تر و در مقاطع تحصیلی قبلی، بیشتر دارای رفتارهای خشونتی بوده‌اند، لذا پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات بعدی تبیین رفتارهای خشونت‌آمیز در سطح مدارس مقطع متوسطه اول مورد مطالعه قرار گیرد. در پایان برای بررسی همه جانبه‌ی،

ابعاد و زوایای رفتارهای خشونت‌آمیز پیشنهاد می‌شود از طریق مصاحبه با متخصصان و کارشناسان مربوطه اقدام شود تا یافته‌ها از جنبه‌های مختلفی مورد مقایسه و تبیین قرار گیرند و راهکارهای مفیدی استخراج گردد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با در نظر گرفتن ویژگی‌های منطقه‌ای و تنوع فرهنگی، به شناسایی عوامل مؤثر بر خشونت‌ورزی بپردازند. این مطالعات می‌توانند پایه‌ای برای تدوین برنامه‌های جامع آموزشی و اجتماعی در کاهش خشونت نوجوانان فراهم کنند.

منابع

- اشتراوس، آسلیم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آزیراک، زینب (۱۳۹۲). زمینه‌های بروز خشونت در نوجوانان پسر، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جهان نیوز (۱۳۹۶). برگرفته از لینک <http://www.jahannews.com/news/569623/>
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۸). برگرفته از لینک www.farsnews.ir/news/13980816000366/
- خبرگزاری عصر ایران (۱۴۰۱). برگرفته از لینک www.asriran.com/fa/news/842237/
- داوری، میثم (۱۳۹۸). بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر قلدری در مدرسه (مورد مطالعه: دانش‌آموزان شهر تهران)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران.
- رایینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۱). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، (ترجمه: دکتر رحمت اله صدیق سروسستانی)، تهران، انتشارات موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ بیست و پنجم.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سهراب‌زاده، مهران و سلیمان‌نژاد، محمد (۱۳۹۹). مطالعه کیفی علل و زمینه‌های خشونت نوجوانان دبیرستانی، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۱۴، شماره ۳: ۱۷۲-۱۵۳.
- علیزادگانی، فاطمه؛ اخوان تفتی، مهناز و خادمی، ملوک (۱۳۹۶). بررسی علل گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تهران، *انتظام اجتماعی*، دوره ۹ شماره ۲، ۱۲۸-۱۰۳.
- قادرزاده، امید و قادری، بهروز (۱۳۹۵). تحلیل چند سطحی خشونت‌ورزی: مطالعه پیمایشی خشونت‌ورزی دانش‌آموزان دبیرستان های شهر سقز، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۲، ۸۰-۶۱.
- گرمابی، راضیه (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر قلدری در دانش‌آموزان: یک مطالعه کیفی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه اردکان.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارل (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- مشونیس، جان (۱۳۹۷). *مسائل اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، جلد اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹). *مسائل اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب پذیر)*، نشر علم.
- معینی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی مؤثر بر بازدارندگی رفتارهای پرخطر جوانان (مطالعه موردی شهر شیراز)، *پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی*، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.

نصیری، هدایت (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی موثر بر میزان بزهکاری خشونت‌آمیز در میان دانش‌آموزان شهر اهواز، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شهید چمران اهواز.

باری‌قلی و همکارن (۱۳۹۷). تجربیات معلمان از عوامل زمینه‌ساز خشونت در مدارس: مطالعه‌ی پدیدارشناسانه، **فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی**، سال چهاردهم، شماره اول، ۱۵۹-۱۹۷.

هاشمی، سیدضیاء و مردانی، سمیه (۱۴۰۰). فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی رایج در بین دانش‌آموزان، **فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران**، سال دوازدهم، شماره اول، ۶۷-۱۰۱.

Álvarez-García, D., Núñez, J. C., García, T., & Barreiro-Collazo, A. (2018). Individual, family, and community predictors of cyber-aggression among adolescents. *European journal of psychology applied to legal context*, 10(2), 79-88.

Atkinson, T. (2019). *Young Adult's Feelings of Safety after Observing Physical Violence as Rural Adolescents: A Generic Qualitative Study* (Doctoral dissertation, Capella University).

Boxer, P., & Sloan-Power, E. (2013). Coping with violence: A comprehensive framework and implications for understanding resilience. *Trauma, Violence, & Abuse*, 14(3), 209-221.

Brown, J. (2021). *Parents and Teachers Perspectives Regarding the Prevalence and Preventions of Cyberbullying in Southern California*, School of Education Concordia University Irvine.

Catak, B., Evran, M., Kaya, F., & Evran, M. (2021). Prevalence of exposure to violence and related factors among high school students in Turkey. *East Mediterr Health J*.

Celbiş, O., Karaoğlu, L., Eğri, M., & Özdemir, B. (2012). Violence among high school students in Malatya: a prevalence study. *Turkish Journal of Medical Sciences*, 42(2), 343-350.

García-García, J., Ortega, E., De la Fuente, L., Zaldívar, F., & Gil-Fenoy, M. J. (2017). Systematic review of the prevalence of school violence in Spain. *Procedia-social and behavioral sciences*, 237, 125-129.

Hamby, S., & Grych, J. H. (2013). *The web of violence: Exploring connections among different forms of interpersonal violence and abuse*. New York, NY: Springer.

León Moreno, C., Musitu Ochoa, G., Cañas Pardo, E., Estevez Lopez, E., & Callejas Jerónimo, J. E. (2021). Relationship between school integration, psychosocial adjustment and cyber-aggression among adolescents. *International journal of environmental research and public health*, 18(1), 108.

Machado, B., Caridade, S., Araújo, I., & Faria, P. L. (2022). Mapping the cyber interpersonal violence among young populations: a scoping review. *Social Sciences*, 11(5), 207.

Mayer, M. J., Nickerson, A. B., & Jimerson, S. R. (2021). Preventing school violence and promoting school safety: contemporary scholarship advancing science, practice, and policy. *School Psychology Review*, 50(2-3), 131-142.

Mendle, J., & Beltz, A.M., & Carter, R., & Dorn, L.D. (2019). Understanding Puberty and Its Measurement: Ideas for Research in a New Generation. *Journal of Research on Adolescence*, 29(1), 82-95.

Reid, R. J., Peterson, N. A., Hughey, J., & Garcia-Reid, P. (2006). School climate and adolescent drug use: Mediating effects of violence victimization in the urban high school context. *Journal of Primary Prevention*, 27(3), 281-292.

Ruiz-Hernández, J. A., Moral-Zafra, E., Llor-Esteban, B., & Jiménez-Barbero, J. A. (2019). Influence of parental styles and other psychosocial variables on the development of externalizing behaviors in adolescents: a systematic review. *The European Journal of Psychology Applied to Legal Context*.

Saltmarsh, S., Robinson, K., & Davies, C. (Eds.). (2012). *Rethinking school violence: Theory, gender, context*. Palgrave Macmillan.

Sherer, P. P., & Sherer, M. (2011). Violence among high school students in Thailand: Cultural perspectives. *International Journal of Intercultural Relations*, 35(6), 867-880.

Siegel, L. J. (2018). *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Cengage Learning, 13Th edition.

- Ssewanyana, D., Van Baar, A., Mwangala, P. N., Newton, C. R., & Abubakar, A. (2019). Inter-relatedness of underlying factors for injury and violence among adolescents in rural coastal Kenya: A qualitative study. *Health psychology open*, 6(1), 2055102919849399.
- Tobin, A. N. (2016). *A study of the impact of crime shows on contemporary criminal investigations* (Doctoral dissertation, The George Washington University).
- Varela, J. J., Zimmerman, M. A., Ryan, A. M., Stoddard, S. A., & Heinze, J. E. (2021). School attachment and violent attitudes preventing future violent behavior among youth. *Journal of interpersonal violence*, 36(9-10), NP5407-NP5426.
- Vowell, Paul R. 2007. " A Partial Test of an Integrative Control Model: Neighborhood Contexts, Social Control, Self Control, and Youth Violent Behavior " *Western Criminology Review*, 8 (2): 1 - 15.

